



وقتی برای دلتنگی

با آنکه در یک شهر زندگی می‌کنید اما چند ماهی می‌شود که هم را ندیده‌اید.

همشهری دو - مهیار زاهد: با آنکه در یک شهر زندگی می‌کنید اما چند ماهی می‌شود که هم را ندیده‌اید.

با اینکه چند ماهی می‌شود که هم را ندیده‌اید چندان احساس دلتنگی نمی‌کنید! این وضعیت بسیاری از ارتباط‌های امروز ما در شهرهای بزرگ است؛ رابطه‌هایی که به مرور زمان مجازی می‌شوند. خواهر و برادران را چندین هفته نمی‌بینید اما خب، به مرحمت شبکه‌های اجتماعی احتمالا در طول روز یا دست‌کم چند روز یک‌بار چند پیام کوتاه بینتان رد و بدل می‌شود. به لطف همین چند پیام مجازی است که احساس کاذب در ارتباط بودن به آدم دست می‌دهد و دیرتر دلتنگ نزدیکان و فامیل و دوستان می‌شود. از طرفی همین پیام‌ها هم اغلب چندان شخصی و مرتبط با روابط نیستند.

خوب که فکر کنید احتمالا از میان اطرافیان و آشنایان به‌خاطر می‌آورید کسانی را که حس می‌کنید از وضعیتشان با خبر هستید؛ چراکه مثلا همین دیروز برایتان یک لطیفه یا تصویر را در شبکه اجتماعی فرستاده‌اند. اما اگر بیشتر دقیق شوید می‌بینید که از تمام زیر و بم زندگی و مشکلات و شادی‌های‌شان دور مانده‌اید. این است که در بهترین حالت، ممکن است فقط بدانید که کدام لطیفه‌ها، تصاویر یا اخبار طی چند هفته گذشته توجه فلانی را جلب کرده! شاید بتوان اسم این حالت را «توهم باخبری» گذاشت؛ توهمی که به جان ارتباط‌های دنیای امروز افتاده است؛ توهمی که ما را از تمامی موهبت‌های ارتباط‌های فامیلی و دوستانه محروم کرده و دلمان را به چند پیام و چند خط حال و احوال در فضای مجازی خوش کرده است. ظاهرا این شبکه‌ها خودشان تقصیری ندارند. مگر نه اینکه روزگاری فضای مجازی شکل گرفت تا کمکی باشد برای هرچه بیشتر و بهتر شدن کیفیت ارتباط‌های ما؟ بنا بود به مدد شبکه‌های اجتماعی کیفیت ارتباط‌هایمان بیشتر شود اما ظاهرا در طول زمان، کمیت ارتباط‌هایمان بیشتر شد؛ دریایی وسیع از ارتباط‌های گسترده اما کم‌عمق و سطحی. شاید جایی درمیان این سال‌ها، فراموش کرده‌ایم که هدف چه بود و وسیله کدام؟ شاید باید مدتی خودمان را از این فضاهای مجازی دور کنیم و تن به رفت‌وآمدهای واقعی دهیم تا به یادآوریم طعم شیرین با خانواده بودن را. شاید دیگر وقتش رسیده باشد که پس از چندماه دوری از نزدیکان، دلمان کم‌کم تنگ شود!